

استاد حسین معارفی

معمار سنتی اصفهان

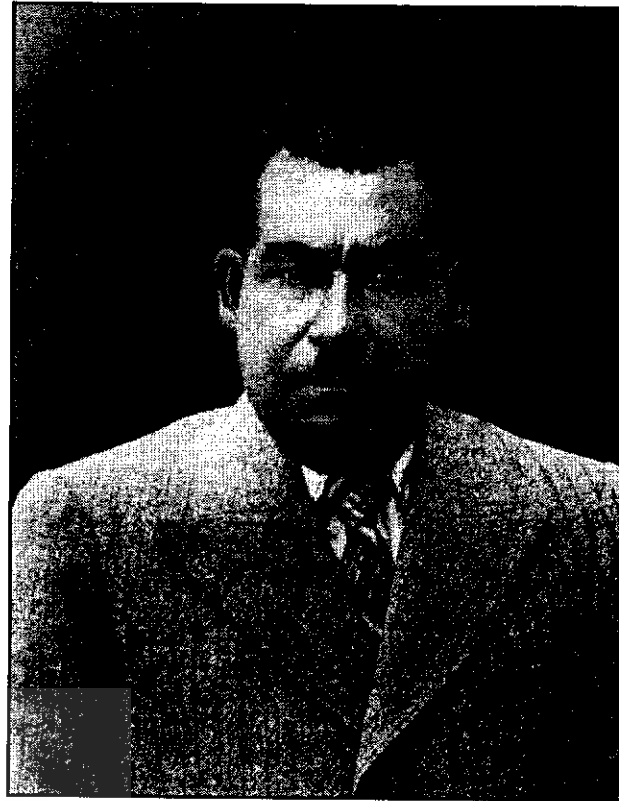
سید مهدی سجادی نائینی

تاریخی اصفهان و سایر شهرهای کشور ما صرف کرد، آنچنان مورد بی‌مهری قرار گرفته که حتی بسیاری از دوستداران آثار تاریخی و میراث فرهنگی نیز با نام او و خدماتش آشنایی ندارند.

مرحوم معارفی در سال ۱۲۷۲ هجری شمسی در خانواده‌ای متولد شد که اعضای آن همه از معماران مشهور و سرشناس بودند. در این خاندان هنر معماری همچون میراثی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده بود. او گذشته از آنکه فرزند و نوه و نواده معماران مشهور زمان خود بود، خواهرزاده استادکاران برجسته‌ای همچون معتمدالبناء و استاد اسماعیل معمار نیز بود. این دو سرآمد معماران مشهور اصفهان به‌شمار می‌رفتند. حسین از ده سالگی کار بنایی را زیر نظر پدر آغاز کرد، اما به‌زودی سایه پدر که می‌توانست استاد خوبی برای او باشد از سر او گرفته شد و در ۱۲ سالگی یتیم گردید. وی پس از مرگ پدر زیر نظر دایی‌هایش کار را ادامه داد و در کنار در مسجد رکن‌الملک واقع در

از دیرزمان تا به امروز شهر اصفهان جایگاه تربیت معماران و استادکارانی بوده که در تمام رشته‌های هنر از ساختمان‌بناها تا طلاکاری و نقاشی و قلمزنی و قلمکاری و منبت و کاشی‌سازی و کاشی‌تراشی و خوشنویسی شهرت جهانی داشته و در دوره‌های مختلف و به‌خصوص سالهایی که اصفهان مرکز سیاسی ایران بود، آثارشان زینت‌بخش بناهای مختلف بوده و محصولات و تولیدات آنها طالبان فراوانی داشته است. استادان ماهر و خلاق اصفهانی به‌خصوص در فن معماری آن‌قدر از خود خلاقیت و ذوق و ابتکار نشان دادند که در کشور ما کمتر بنای تاریخی مهمی است که معمار اصفهانی در آن دستی نداشته باشد. یکی از این نام‌آوران که به حق احیای برخی از شاهکارهای ایران و به‌خصوص اصفهان مرهون تلاشهای خستگی‌ناپذیر اوست شادروان استاد حسین معارفی است.

مرحوم معارفی که بیش از ۵۰ سال از عمر پربارش را در راه ترمیم و حفاظت گنجینه‌های



نخستین کار استاد حسین،
تعمیر منارجنبان
در سال ۱۳۰۱ شمسی بود.
در این کار بزرگ
که در آن روزگار
به راستی قابل توجه بود،
شادروان معارفی
برای اولین بار
دو مناره را تحت تعمیر
قرار داد و آنها را
تا کف بام برداشت
و مجدداً آنها را
به جای خود نصب کرد.

نخستین کار استاد حسین، تعمیر منارجنبان در سال ۱۳۰۱ شمسی بود. در این کار بزرگ که در آن روزگار به راستی قابل توجه بود، شادروان معارفی برای اولین بار دو مناره را تحت تعمیر قرار داد و آنها را تا کف بام برداشت و مجدداً آنها را به جای خود نصب کرد.^۱ در این زمان او ۳۰ ساله بود. پس از تعمیر منارجنبان، که استاد شهرتی به دست آورده بود، مورد توجه اولیای وزارت معارف وقت قرار گرفت و از طرف اداره اوقاف و معارف آن روزگار که به وسیله میرزا مهدی خان ایرانی اداره می شد. تعمیرات مدارس بزرگی همچون مدرسه «بواسحاقیه» به او محول گردید. از این زمان به دلیل همکاری نزدیک با اداره معارف به معارفی معروف شد و نام خانوادگی او نیز به همین صورت تغییر یافت.

تخت فولاد به کار مشغول شد. ذوق و شوقی که برای فراگیری فنون معماری از خود نشان می داد به حدی بود که گاه کارهایی خارج از حد توان انجام می داد و مورد بازخواست و شماتت اطرافیان قرار می گرفت.^۱ دوران کودکی و نوجوانی استاد حسین در اصفهان گذشت. در این مدت فضای سرشار از پدیده های زیبا و شگرف معماری بناهای اصفهان و ذوق و شوق و علاقه او به فراگیری ریزه کاری های فن بنایی، او را با همه دقایق و ظرایف کار آشنا کرد. به طوری که در ۲۸ سالگی با تجارب فراوانی که در این ۱۸ سال اندوخته بود تصمیم گرفت از اصفهان خارج شود تا به دور از استادان و زادگاه خود کاری مستقل را تجربه کند. در پی این تصمیم به خوزستان رفت و در آبادان و مسجد سلیمان به کار مشغول شد. اما به زودی از محیط غربت دلزده شد و به هوای آثار و ابنیه ای که از کودکی به آنها سخت دل بسته بود به اصفهان بازگشت. پس از ورود به اصفهان به تاسی از خانواده نام فامیل معتمدی را برای خود انتخاب کرد.

۱- روزنامه اطلاعات، ش ۱۴۹۲۷، ۱۳۵۴/۱۱/۱۵، ص ۲۱.
۲- آگاهینامه، نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، مهر ۱۳۵۵، ص ۶.

در سال ۱۳۰۹ شمسی با تشکیل اداره کل باستان‌شناسی در تهران، شعبه‌ای به همین نام در اداره معارف اصفهان تأسیس شد و معارفی عضو ثابت اداره باستان‌شناسی گردید و تمامی اوقات و نیروی خود را صرف مرمت و حفاظت بناهای تاریخی اصفهان کرد.

در بدو تأسیس اداره کل باستان‌شناسی، گزارشی از حکمران اصفهان به تهران رسید که نگرانی شدیدی به وجود آورد. این گزارش در مورد خرابی سردر مسجد شاه (مسجد امام امروز) بود و شکاف عمیقی که در این بنای با شکوه ایجاد شده بود. این مسأله آن قدر مهم بود که شادروان یحیی قراگوزلو (اعتمادالدوله) وزیر معارف وقت، آندره‌گدار فرانسوی را که تازه مسؤولیت باستان‌شناسی کشور را برعهده گرفته بود به اصفهان اعزام کرد.^۳

گدار پس از ورود به اصفهان با کلیه معماران و استادکاران و افراد متخصص جلساتی تشکیل داد و برای تعمیر و مرمت مسجد نظر همه آنها را جویا شد. در این جلسه نظرات مرحوم معارفی به قدری مستدل و محکم بود که تعمیر سردر و دو مناره مسجد به او واگذار گردید. در این کار بزرگ استاد معارفی توانست با کمک استادکاران دیگر و تحمل زحمات فراوان این بنای عظیم را از خرابی نجات دهد و گنبد شرقی مسجد را مرمت کرده و کاشی گنبد و ایوان شرقی را به بهترین صورت تعمیر نماید.^{۴، ۵}

پس از اتمام مرمت مسجد و موفقیت در این کار، روز به روز بر منزلت فنی و شهرت معارفی افزوده شد. این شهرت باعث شد تا اداره معارف، تعمیر مدارس قدیمی بسیاری را به او واگذار کند تا پس از مرمت به مدارس اختصاص یابد که در آن روزگار هر لحظه فزونی می‌گرفت و جایگزین مکتبخانه‌ها می‌گردید. استاد به‌خوبی از عهده این مأموریت برآمد. چنانکه مدرسه کوچک کلباسی (در نزدیکی مسجد حکیم) و مدرسه مریم‌بیگم و مدرسه ملیه پس از تعمیرات به مدارس جدید اختصاص یافت و به‌خوبی مورد استفاده قرار گرفت.

در سال ۱۳۱۶ شمسی توسعه خیابان خوش (که بعدها شاه نامیده شد و امروز به طالقانی معروف است) مورد توجه شهرداری قرار گرفت. در این طرح سردر مسجد قدیمی و بسیار نفیس قُطیبه که یکی از آثار مهم دوران شاه طهماسب صفوی بوده در معرض نابودی کامل قرار می‌گرفت. کاشیکاری این سردر که با نهایت دقت و ظرافت به دست امیر قطب‌الدین علی باب‌الدشتی در سال ۹۵۰ هجری قمری ساخته شده بود، از نظر نفاست و عظمت در عداد یکی از بهترین آثار اصفهان به حساب می‌آمد. این سردر عالی با نظر استاد معارفی و با کمک کاشی‌تراشان ماهر آن روزگار با نهایت دقت پیاده شد و به همان صورت اولیه در یکی از دیوارهای جبهه غربی کاخ چهلستون نصب گردید. این کار چشمگیر و استثنایی که در آن زمان واقعاً ابتکاری به حساب می‌آمد باعث شد تا مردم نیز به بناهای تاریخی توجه بیشتری مبذول دارند و به جایگاه میراث فرهنگی بیشتر واقف گردند. مرحوم جواد مجدزاده صهبا که در آن زمان مسؤول باستان‌شناسی اصفهان بود و روزنامه سرنوشت را نیز منتشر می‌کرد، صفحاتی از روزنامه‌اش را به لزوم توجه مردم به میراث‌های فرهنگی و بناهای تاریخی اختصاص داد و وظیفه همگان را در قبال این آثار به خوانندگانش گوشزد نمود.^۶

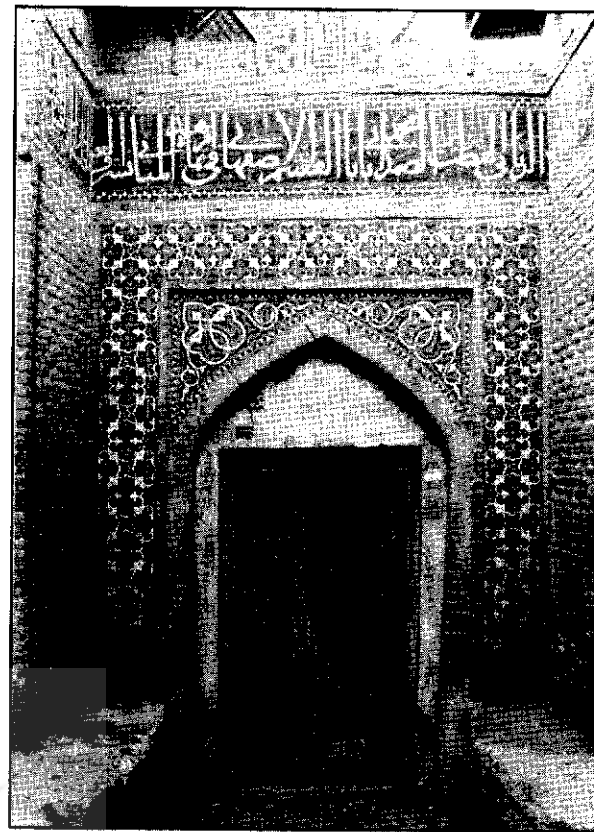
۳- آندره گدار معمار، مهندس، باستان‌شناس و دانشمند معروف فرانسوی سالها در رأس اداره کل باستان‌شناسی کشور بوده و در طول خدمت در ایران توانست بسیاری از بناهای تاریخی ایران را تعمیر و مرمت نماید.

گدار مؤلف کتابها و رساله‌های بسیار درباره آثار ایران است که از همه معروفتر کتاب گرانسنگ آثار ایران در ۴ جلد است که به فارسی ترجمه و منتشر شده است.

۴- مجله هنر و مردم، شماره ۱۶۲، خرداد ۱۳۵۵، ص ۲.

۵- برای اطلاعات بیشتر از این تغییرات و شرح جزئیات کار به مجله هنر و مردم، شماره ۱۶۲، خرداد ۱۳۵۵، ص ۲ به بعد مقاله دکتر پرویز ورجاوند مراجعه شود.

۶- آگاهینامه، نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، مهرماه ۱۳۵۵، ص ۸.



سردر مقبره باباقاسم

حکیم قرار دارد و از آثار باشکوه دوره دیلمیان به شمار می‌رود. این مسجد که در نیمه دوم قرن چهارم هجری مسجدی زیبا و نفیس بوده است (مسجد جامع صغیر) نیز نامیده می‌شده است.^۸

مرحوم معارفی در طول بیش از نیم قرن تلاش خستگی‌ناپذیر توانست بناهای بسیاری را احیا کند. این تلاش بی‌وقفه آنچنان صادقانه و چشمگیر بوده است که حاصل آن تعمیر و مرمت دهها بنا و اثر است که شرح جزئیات آنها مسلماً از گنجایش این صفحات خارج است. برخی از آنها عبارت‌اند از: تعمیرات بنیادی بناهای بابارکن‌الدین، مدرسه مادرشاه، درب امام، امامزاده جعفر، امامزاده اسماعیل، مدرسه ملا عبدالله، مدرسه کاسه‌گران، تعویض سنگفرش کلیه صحن‌ها و دالان ورودی و جلوخان مسجد امام، سنگفرش جلوخان مسجد شیخ لطف‌الله، تعویض کلیه سنگفرش مسجد جمعه و مدرسه چهاربایع و جلوخان عالی‌قاپو، تعمیرات اساسی مسجد جامع، مسجد علی‌قلی آقا، مسجد حکیم، مسجد لُنبان، مسجد ساروتقی، رفع خطر از مناره طوقچی، تعمیر و پی‌بندی گنبد سلطان‌بخت‌آغا و...

در خارج از اصفهان نیز مرحوم معارفی آثار بسیاری از خود برجای گذاشته که اهم آنها عبارت است از: تعمیر اساسی مسجد جامع اُشترجان، بقعه پیربکران، مسجد جامع ناین، مسجد جامع زواره، مسجد جامع اردستان، مسجد سین، مسجد کاج و... در سایر استانها نیز تعمیراتی انجام داده است که می‌توان تعمیر گنبد سلطانیه در زنجان و تعمیر آثار استان فارس و استان اردبیل را نام برد (شرح جزئیات این تعمیرات سخن را به درازا خواهد برد).

اطلاعات عمیق همراه با تجربیات مرحوم معارفی به حدی بود که در سال ۱۳۴۵ شمسی به هنگام سفر یک هیأت عالی‌رتبه کارشناسی به عراق که برای بررسی نحوه تعمیر و مرمت ایوان مداین

در همین سالها بود که افراد جاهل و سودجو برای مصالح برخی از بناها همچون مسجد جامع و هارونیه و چهلستون و عالی‌قاپو دست به تخریب آنها می‌زدند. مرحوم معارفی این بناها را که به نوشته برخی صاحب‌نظران حکم ویرانه‌ای را پیدا کرده بودند «... با یک جهش مردانه از خرابی و دخالت افراد ناصالح نجات داد و با فعالیت کم‌نظیری که کمتر در افراد علاقه‌مند دیده می‌شد نسبت به مرمت و تعمیر آنها زحمات طاقت‌فرسایی را متحمل گردید...»^۷

از دیگر کارهای مرحوم معارفی تعمیر گچبری محراب‌های مغولی مسجد جامع و بیرون آوردن نقاشیهای تالار اشرف بود که زیر نظر آن مرحوم و به دست استاد حاج اسماعیل گچبر از زیر گچ بیرون آورده شد.

اقدام دیگر مرحوم معارفی که آن نیز شاهکاری به شمار می‌رفت تفکیک سردر مسجد جورجیر از بناهای الحاقی بود.

سردر مسجد جورجیر در شمال غربی مسجد

۷- همان منبع، همان صفحه.

۸- دکتر لطف‌الله هنرفر، آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، گلهای اصفهان ۱۳۷۶، ص ۱۴۶.

صورت می‌گرفت، مرحوم معارفی نیز به درخواست مسؤول این گروه با آنها به عراق رفت. پس از بازدید این هیأت و بررسی و تحقیق درباره این مجموعه باشکوه مرحوم معارفی نظراتی ابراز کرد که کلیه آنها مورد موافقت و حتی تحسین کلیه کارشناسان و محققان و مرمتگران ایرانی و عراقی قرار گرفت.^۹

اکثر قریب به اتفاق متخصصان و مهندسان خارجی که در شیوه‌های علمی مرمت آثار باستانی صاحب تألیفات و رسالات هستند، بارها تواناییهای مرحوم معارفی را مورد تأیید قرار داده و بر کلیه اقدامات او صحه گذاشته‌اند. پروفیسور آرتور آپهام پوپ ایران‌شناس مشهور و مؤلف مجموعه گرانسنگ «هنر ایران» به دفعات در سخنرانی‌ها و نوشته‌هایش به اطلاعات آن مرحوم در معماری سنتی ایران اشاره کرده و به خصوص مهارت‌های او را در معماری و مرمت گنبد‌های سلجوقی ستوده است. این دانشمند برای مشاوره و استفاده از نظرات مرحوم معارفی او را به شیراز دعوت کرده و طی نامه‌ای از نقش ارزنده او در «... کشف یک نکته مهم درباره گنبد‌های سلجوقی...» تقدیر کرده است.^{۱۰}

از خصایص مرحوم استاد معارفی علاقه و عشق بی‌حد او به آثار تاریخی و میراث فرهنگی کشورمان بود. او هنگامی که بنایی را در خطر می‌دید با شجاعتی عجیب نسبت به تعمیر آنها اقدام می‌کرد و حتی از سرپناه زندگیش نیز گذشت تا در امر مرمت آثار و قفای پیش نیاید. از دیگر ویژگی‌های او تحرک و انرژی او در کارها بود. برخی از همکاران او در خاطراتی که از دوران خدمت او نوشته‌اند به قدرت وی در تحمل سختیها و فشارها در طول سفرها اشاره کرده‌اند.

در زمانی که مرحوم معارفی بناهای اصفهان و شهرها را مرمت می‌کرد، تأمین اعتبار و هزینه این تعمیرات مشکل بزرگی بود. در این زمینه سماجت او زبانزد همه مسؤولان شده بود، چرا که گاه برای تأمین اعتبار یک مسجد یا بنای دیگر به همه ادارات، کارخانجات، مؤسسات و شخصیتها متوسل می‌شد. استاد، حس حق‌شناسی عجیبی داشت.

به طوری که اگر کسی مختصر تشویقی از او به عمل می‌آورد هرگز فراموش نمی‌کرد. در «نخستین سمینار علمی و آموزشی بررسی مسائل و مشکلات مرمت و بازپیرایی بناها» که در اسفندماه ۱۳۵۳ شمسی در اصفهان تشکیل گردید، از خدمات صادقانه او تقدیر و تشویق به عمل آمد. یکی از استادان و پژوهشگران باستان‌شناس در مقاله‌ای در این مورد نوشته است: «... در آن روز معمار معارفی به واقع خرسند بود و به قول خودش احساس می‌کرد که فراوان نیرو یافته است...»^{۱۱}

مرحوم حسین معارفی در طی ۵۳ سال خدمت صادقانه در زمینه حفظ و تعمیر و بازپیرایی بناهای تاریخی شهر اصفهان و برخی بناهای دیگر شهرها این توفیق را به دست آورد تا شاگردانی تربیت کند که آنها نیز راه او را دنبال کنند و در حفظ و حراست میراث گرانقدر کشورمان از هیچ کوششی دریغ نکنند. این مرد سازنده و پرتلاش که نمونه هنرمند صمیمی و مبتکر اصفهان بود، در بهار ۱۳۵۵ در اصفهان درگذشت. با مرگ او یکی از معماران و استادکاران بی‌بدیل شهر اصفهان از دست رفت. معماری که به حق دوستدار میراث فرهنگی ایران بود و در راه حفظ و حراست آنها لحظه‌ای از پای نایستاد. روانش شاد و روحش قرین آرامش ابدی باد.

منابع و مآخذ

دکتر لطف‌الله هنرفر، آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، انتشارات گلها، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.

آگاهینامه، نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، شماره ۹ و ۱۰ و ۱۱، شهریور و مهر و آبان ۱۳۵۵.

اطلاعات (روزنامه)، شماره ۱۴۹۲۷، چهارشنبه ۱۳۵۴/۱۱/۱۵.

هنر و مردم (مجله)، شماره ۱۶۴، خرداد ۱۳۵۵.

۹- آگاهینامه، نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، شهریور ۱۳۵۵، ص ۱۴.

۱۰- همان منبع، همان صفحه.

۱۱- روزنامه اطلاعات، ش ۱۴۹۲۷، ۱۳۵۴/۱۱/۱۵، ص ۲۱.